

# شرق روزنامه

#### شهرنشینی در ایران؛ ۲۰ درصد سریع‌تر

وزارت راه‌وشهرسازی اعلام کرده در ۲۰ سال اخیر جمعیت شهرنشین ایران ۴۵ درصد افزایش یافته است، هم‌اکنون تعداد شهرنشینان ایران ۱۹ درصد از میانگین جهانی بیشتر است، به گزارش ایسنا، رشد شهرنشینی در ایران، حدود ۲۰ درصد بیش از میانگین جهانی است.
درحال‌حاضر نزدیک به چهار میلیارد نفر از جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند و رشد شهرنشینی در دنیا ۵۴ درصد است در حالی‌که در ایران ۷۳ درصد جمعیت در شهرها زندگی می‌کنند.
بنابراین مسئله شهر، شهرنشینی و شهروندی به صورت جدی در صدر مسائل آینده ایران خواهد بود.
وزیر راه‌وشهرسازی دراین باره گفته است: شهرنشینی روزافزون و تمرکز جمعیت شهری در مناطق متمرک‌م شهری بزرگ‌تر، ویژگی خاص پدیده شهرنشینی ایران شده است. بعد از گذشت ۲۰ سال از نشست هییتات ۲، هم‌اکنون جمعیت شهری ایران نزدیک ۴۵۰۷ درصد افزایش یافته است.
عباس آخوندی در اواخر مهرماه گذشته گفته بود: جمعیت کلان‌شهر تهران به عنوان پرجمعیت‌ترین منطقه در ایران، از ۱۰۰۳ میلیون در سال ۱۹۹۶ به ۱۴،۵۹ میلیون نفر در سال ۲۰۱۱ رسیده است.
دیگر مناطق شهری نیز به نسبت منطقه‌شان، نرخ رشد جمعیت بسیار زیادی را تجربه کرده‌اند.

یکی از عارضه‌هایی که در نتیجه این رشد دوبینگ‌گونه ایجاد شده است، گسترش پدیده حاشیه‌نشینی است. بنا بر گفته معاون وزیر راه‌وشهرسازی، جریان شهرنشینی شتابان و گسترش‌های افقی و نامتعادل که در دهه‌های قبل اتفاق افتاده، در زمان کنونی مسائل و مشکلات متعددی را برای شهرها به بار آورده است.
امروزه شهر با پدیده‌ها و مسائل بزرگی مانند فقر شهری، پایین‌بودن تاب‌آوری در عرصه‌های گسترده، بحران هویت و محیط‌زیستی، تخریب زیست‌بوم‌ها و مسائل بسیار گسترده‌ای که حجم درخ‌ور توجهی از شهرها را هم به خود اختصاص داده روبه‌رو است.
محمدسعید ایزدی می‌گوید: ما در مواجهه با شهر و مسائل آن نیازمند رویکرد جدیدی هستیم. این رویکرد جدید در قالب سیاستی (که امروزه در حال دنیال آن هستیم) با عنوان «بازآفرینی شهری تلاش می‌کند در وهله اول به شهر نه به عنوان یک ماشین، بلکه به عنوان یک سازمان اجتماعی نگاه کند.
باطلع باید موجودیت این سازمان اجتماعی که شهروندان هستند، در اولویت قرار گیرند و در وهله دوم باید بررسی شود چطور می‌شود به این مسائل از رویکردهای دیگری نگاه شود. اگر به دو سال گذشته برگردیم، می‌بینیم در امر سیاست مسکن به برنامه‌های بازآفرینی به عنوان اولویت نگاه شده و پس از شناسایی فرصت‌ها، اجرای آنها در خط اول قرار گرفته است.
از سوی دیگر، کارشناسان معتقدند تا سال ۲۰۴۵ جمعیت شهرنشین جهان ۱/۵ برابر یعنی حدود شش میلیارد نفر افزایش پیدا



می‌کند.
با افزایش دو میلیارد جمعیت به جمعیت شهرنشین، مدیران شهری باید به‌سرعت اقداماتی را برای برنامه‌ریزی، رشد و ارائه خدمات اولیه، زیرساخت‌ها و مسکن مناسب مورد نیاز این توسعه جمعیتی فراهم کنند.
چندی پیش بان کی‌مون، دبیر کل سازمان ملل متحد، در پیامی که به مناسبت سوم اکتبر روز جهانی اسکان بشر منتشر کرد، تأکید کرد تقریباً یک‌چهارم از افراد شهرنشین جهان، در زاغه‌ها یا مکان‌های اسکان غیررسمی زندگی می‌کنند و ارائه مسکن مناسب برای همه مردم از بالاترین اولویت‌های دستور کار نوین شهری است.
کمتز از یک ماه پیش، وزیر راه‌وشهرسازی نیز در نشست هیئتات ۳ در اکوادور به تشریح سه برنامه دولت برای مدیریت روند سریع شهرنشینی اشاره کرده و گفته بود: یک طرح کالبدی ملی در سال ۱۹۹۷ تهیه و تصویب شد. این طرح سیستم شهری‌ای را که در آن ساختار ارائه خدمات شهری تسهیل شده معرفی می‌کند.
همچنین عرصه مناسب برای توسعه شهری آتی و رشد شهرها را مشخص کرده و مجموعه‌ای مناسب از قوانین و مقررات برای کاربرد و توسعه اراضی برای کل سرزمین ایران طراحی شده است.
طرح مذکور درحال‌حاضر در حال بازبینی و تجدیدنظر است.
به گفته آخوندی، در سطح شهری، معیارها و شاخص‌هایی برای شناسایی مناطق شهری کشور معرفی و برنامه‌های شهری برای نقاط شهری کشور آماده شده و در دست اجرا هستند.
درحال‌حاضر سیاست شهرنشینی ملی به‌وسیله وزارت راه‌وشهرسازی در حال پیگیری است که به ابزارهای موجود برای مدیریت پروسه سریع شهرنشینی در کشور اضافه می‌شود.
او با بیان اینکه یکی از تأثیرات مثبت خرب شهروندی سریع، پراکندگی شهری بوده، گفته بود: برای پرداختن به موضوع پراکندگی شهرها دو نهاد ایجاد شده است؛ اولی به منظور ارتقا، نوسازی و بازسازی سکونتگاه‌های غیررسمی شهری و دومی به منظور توسعه شهرهای جدید برای تأمین مسکن مناسب و شایسته برای سرریز جمعیت شهری.
در حوزه مدیریت شهری، یکی از مهم‌ترین روش‌هایی که از سوی دولت در دو دهه اخیر مصوب شده، ادغام فرایند تصمیم‌گیری بوده است. این راهکار با ۴۰۰ کاهش نقش سازمان‌های دولتی در مدیریت شهری و تفویض اختیار آن به شهرداری‌ها دنبال شده است.
وزیر راه‌وشهرسازی، فرصت مهم دیگر را که در حوزه مدیریت شهری در دو دهه اخیر به وجود آمد ایجاد ظرفیت سازماندهی شده جدیدی در بین مردم و تشکل‌ها عنوان و تأکید کرده بود: این حوزه با تأسیس شوراهای اسلامی شهر و روستا محقق شده است.
این شوراهای که مستقیماً به وسیله مردم انتخاب می‌شوند، برخی کارهایی را که قبلاً از سوی شهرداری‌ها صورت می‌پذیرفت انجام می‌دهند.
آخوندی با اشاره به دسترسی گروه‌های مختلف جامعه به مسکن مناسب و شایسته که یکی از نکات اصلی و کانونی در برنامه‌های پنج‌ساله توسعه کشور بوده است، گفته بود: از زمان کنفرانس هیئتات ۲، چهار برنامه توسعه پنج‌ساله در ایران تهیه و اجرا شده است.
در بخش مسکن توسعه دسترسی به مسکن مناسب و شایسته و نیز تأمین نیازهای اولیه برای همه خانوارها، جزء هدف‌های این طرح‌های توسعه بوده‌اند.

#### امکانات متمرکز در تهران اما...

تهران یرجمعیت‌ترین کلان‌شهر ایران است که طبق اعلام استاندارد، حدود ۸۰۵ میلیون نفر در آن زندگی می‌کنند.
سیدحسین هاشمی، استاندار تهران، اواخر سال گذشته در همایش ساماندهی سیاسی فضا و اداره بهینه شهر تهران، آماری از تهران اعلام کرد که نشان‌دهنده عظمت این کلان‌شهر و نیز تراکم امکانات و تسهیلات در پایتخت بود.
به گفته او، جمعیت استان تهران براساس آمار سال ۹۰، حدود ۱۳میلیون و ۶۵۰ هزار نفر است که با احتساب رشد ۱۰۴درصدی، هم‌اکنون با جمعیتی بالغ بر ۱۴،۵۹ میلیون نفر در استان تهران مواجه هستیم که از این تعداد ۸۰۵ میلیون نفر در شهر تهران ساکن هستند.
جمعیت تهران برابر با ۱۳ استان کشور یا چند کشور خلیج‌فارس است.
۵۰ درصد مالیات کل کشور به وسیله استان تهران تأمین می‌شود و در سال ۲۵،۹۳ هزارو ۵۰۰ میلیارد تومان در سال ۳۲،۹۴ هزارو۵۰۰ میلیارد تومان و در سال آینده حدود ۳۸ هزار میلیارد تومان مالیات در نظر گرفته شده است.
مردم تهران مالیات پرداخت می‌کنند که خدمات بهتری دریافت کنند وقتی که بیش از ۵۰ درصد مالیات کشور را مردم تهران تأمین می‌کنند، انتظار ارائه خدمات بهتر طبیعی است.
۵۰ درصد سرمایه‌های سپرده مردم در استان تهران و ۸۰ درصد صادرات خدمات مهندسی مربوط به استان تهران است.
از ۳۷ هزار کارت بازرگانی ۲۱ هزار کارت بازرگانی متعلق به تهران است.
تهران بیش از ۱۷ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی دارد و ۲۸ درصد تولید ناخالص داخلی را به خود اختصاص داده است.
اما استاندارد تهران در همان سخنرانی خود، به مشکلات اساسی مدیریت تجهیزات نگران‌کننده است.
تهران مشکلات بزرگ در این کلان‌شهر کیفیت زندگی را برای شهروندان به‌شدت کاهش داده است؛ بیش از ۵۰ درصد تجهیزات برق استان بالای ۲۵ سال عمر دارد و نگرهداری این تجهیزات نگران‌کننده است.
تهران روی گسل زلزله قرار دارد اما با توجه به این مشکل، از گاز استفاده می‌کند و استفاده از انرژی برق در خانه‌ها جدی گرفته نمی‌شود.
اگر اتفاقی بیفتد قطعا تهران با استفاده از مصرف گاز ذی‌نفع استفاده می‌کنند.
ما به این شیوه عمل نمی‌کنیم و معلوم است نتیجه نمی‌گیریم.

**۱۲درواقع می‌خواهید بگویید در اداره شهرها نه از پتانسیل مردم استفاده می‌شود و نه از مدیران؟**
دانش به معنای بحث تخصصی است که آدم بهمد بار غلط تصمیماتش چگونه است. درباره بیشن منظورم این است آنچه در ظاهر نشان می‌دهند، درواقع آن‌گونه باشند.
ما در جامعه حرفه‌ای هم داریم، در جامعه مشاوران، زیاد این اتفاق می‌افتد.
در طراحی شعاری را می‌دهیم؛ مثلاً در طرح جامع شهر یزد روی بافت تاریخی تأکید می‌کنیم و بعد هم در همین بافت خیابان تازه می‌سازیم. این یعنی شعار با عملکرد یکی نیست.
فرق فرنگی‌ها با ما این است که در مدیریت استراتژیک وقتی نقطه‌ای را هدف قرار می‌دهند همه برنامه‌ها را همسو با آن تنظیم می‌کنند و دانما آن را چک و سیستم‌های نظارتی را لحاظ می‌کنند.
هر از چندی همه چیز را بازبینی می‌کنند و از حداکثر پتانسیل همه گروه‌های ذی‌نفع استفاده می‌کنند.
ما به این شیوه عمل نمی‌کنیم و معلوم است نتیجه نمی‌گیریم.

**۱۳پس با این اوصاف، نمی‌توانیم کلان‌شهرها به‌ویژه تهران را مدرن یا شه‌مدرن بدانیم.**

ما تنها شهرهایی نیستیم که با این معضل مواجه است. در منطقه ما، خیلی اوقات خیلی کشورها مانند پاکستان هستند که شهروندان را ممکن است شهروند در نظر نگیرند. ترکیه درحال‌حاضر به این عارضه دچار شده است.
کشورهای دیگری هم هستند که با درآمد سرانه بالا این را می‌پوشانند برای مثال، در عربستان و امارات متحده عربی، اگر بخواهیم مقایسه کنیم؛ ترکیه زمان جنگ ما تورم دورقمی را تجربه می‌کرد.
دوره‌ای تصمیم گرفتند اصلاح کنند. شاید یکی از دلایل این سرعت و اصلاح، پیوستن به اتحادیه اروپا بود که برای آن ناچار شدند نظام‌های موردنظر اتحادیه اروپا را اعمال کنند. این به آن معنا نیست که فساد نیست. به سمت تولید رفتند که درنهایت الان می‌بینید جنس ترک چقدر در بازار ایران زیاد است.

**۱۴ما در غیاب اتحادیه‌ای مشابه اتحادیه اروپا در منطقه، با چه انگیزه‌ای می‌توانیم با این نگرش حرکت کنیم؟**
ما می‌توانیم کاری کنیم که تولید در کشور عزت یابد. اگر شهری به این شیوه اداره نشود، مدیر شهری می‌تواند بگوید این شهر را با ۲۵ نفر اداره می‌کند.
۲۵نفر به ما پول می‌دهند، برای آنها پروژه تعریف می‌کنم...**۱۵سیکل معیوب شهروند غیرمسئول- مدیر غیرمسئول از کجا ایجاد می‌شود و از کجا می‌شود به آن خاتمه داد؟**
فکر می‌کنم وقتی مردم با حقوقشان آشنا نباشند و ضمانتی هم برای احقاق حق وجود نداشته باشد.

**۱۶آیا بسا این موافق نیستید که در نهایت این موضوع به فردگرایی خودخواهانه‌ای برمی‌گردد که امروز در این جامعه بیداد می‌کند؟**

بله، ظاهراً هرکسی به کار خودش مشغول است. در دین هم داریم. الناس

علی دین ملوکهم و البته می‌گویند ملوک هم حاکمان خوب دارند. پس باید اول خودمان درست شویم...



عکس: رونقه رستمی، شرق

#### گفت‌وگو با پیروز حناچی درباره حق شهروند بر شهر

# برای تأمین هزینه‌های شهر نباید دست به هر کاری زد

#### نگار حسینی

سیاسی‌اش خداحافظی کند؛ کسی که به سمت گرفتن پول از مردم می‌رود. ظاهراً این به آن معناست که مردم نیز علاقه و تمایلی برای مشارکت در هزینه‌های شهر ندارند و اگر هزینه‌ای از آنها برای اداره شهر خودشان و با شفافیت گرفته شود، نسبت به مدیر مربوط بی‌اعتماد و بی‌علاقه می‌شوند.

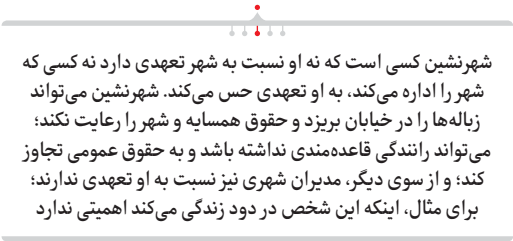
**۱۴به‌هرحال، امروز مردم بیش از اینها بابت مسائل شهر هزینه می‌دهند.**

این‌طور نیست؟

بله، اما تفاوت این است که این هزینه غیرمستقیم در بخش بهداشت و سلامت مثلاً، آلودگی‌های شهری هزینه یا مثلاً بابت اتلاف وقت صرف می‌شود.

**۱۵ما ظاهراً در این شهر به هر بهانه از مردم وجه دریافت می‌شود. آیا بازک در خیابان تا...**

اتفاقاً کاش شهر از فروش پارکینگ اداره می‌شد. اینها برای شهر عارضه ندارد. چیزی که استفاده‌کننده آن زیاد و سازوکار آن روشن است، ایرادی ندارد.
به‌هرحال، واضح است اگر من شهروند ماشین شخصی دارم باید هزینه استفاده از آن را بدهم. در برابر این نگاه، شهروندان از حمل‌ونقل عمومی در شأن استفاده می‌کنند و این بخش تنها برای کسانی نیست که مجبورند.
چندی پیش با یکی از مدیران ارشد رنو صحبت می‌کردم؛ می‌گفت در پاریس با مترو سر کار می‌رویم. در پاسخ به ابراز تعجب من، گفت اگر با مترو سر کار نبود بابت راه‌بندان به کارهایش نمی‌رسد.
مورد دیگری را برایتان مثال بزنم: زمانی مدیر حمل‌ونقل عمومی پاریس درباره برخورد با شهروندانی که از خودرو شخصی استفاده می‌کنند، از اصطلاح نقره‌داغ استفاده می‌کرد: «کسانی را که در شهر پاریس از خودروی شخصی استفاده کنند، نقره‌داغ می‌کنیم» و در توضیح می‌گفت بخش مهمی از خیابان‌ها را به حمل‌ونقل عمومی اختصاص می‌دهیم و از یک پارکینگ برای حمل‌ونقل شخصی استفاده می‌کنیم.
حالا ببینید در ایران چگونه شهرها اداره می‌شوند. آیا با این نگاه اداره می‌کنیم؟ این شکل اداره، موجب می‌شود ناچار شوید از آب کره بگیرید، دیگر اجازه ریخت‌وپاش در بودجه ندارید.
وقتی این‌چور از مردم پول می‌گیرید، همه آن محاسبه می‌شود. وقتی از این قاعده خارج می‌شوید نه سؤالی می‌شود و نه پاسخی می‌دهید.
چرا؟ چون به‌هرحال، چیزی شفاف نیست. تهران این جایگاه را دارد که اگر کار خوب در آن اجرا شود به‌سرعت تسری می‌یابد و برعکس.
بسیاری شهرها به تهران نگاه می‌کنند. اگر در پایتخت پروژه‌های تهران برای تأمین منابع شهر فروخته شود، در تبریز و اهواز نیز این اتفاق می‌افتد.
در تهران به‌هرحال، قاعده‌هایی نیز وجود دارد که در شهرهای دیگر کمتر است. این وجه دیگری نیز دارد؛ چه بودجه مورد نیاز این شهر، هشت هزار میلیارد باشد و چه ۳۰ هزار میلیارد. واقعیت این است ما



**شهرنشین کسی است که نه او نسبت به شهر تعهدی دارد نه کسی که شهر را اداره می‌کند، به او تعهدی حس می‌کند. شهرنشین می‌تواند زباله‌ها را در خیابان بریزد و حقوق همسایه و شهر را رعایت نکند؛ می‌تواند رانندگی قاعده‌مندی نداشته باشد و به حقوق عمومی تجاوز کند؛ و از سوی دیگر، مدیران شهری نیز نسبت به او تعهدی ندارند؛ این‌ها مثال، اینکه این شخص در دود زندگی می‌کند اهمیتی ندارد**

دقیقا نمی‌دانیم شهر با چه بودجه‌ای باید اداره شود.
دراین‌میان باید پرسید هزینه‌های بودجه‌ای شهر چگونه تأمین می‌شود؟
براساس برنامه سالانه و اینکه پروژه‌های موجود در این برنامه چقدر اولویت دارند و در چه زمانی باید انجام شوند؛ اصلاً اولویت دارند یا نه.
هر بار، من اتوبان دوطبقه صدر را مثال می‌زنم. مثلاً در شهری که آلودگی و ترافیک آن بین است و نیازمند حمل‌ونقل عمومی است و همه باید در آن مشارکت کنند، پروژه‌ای تعریف شود که صورت‌مسئله آن غلط است، به‌رهروی ندارد یا در اولویت نیست؛ یعنی ما اشتباه رفته‌ایم.
اینکه دقیقاً این شهر به چه هزینه و اعتباری و با چه میزان پول باید در سال اداره شود.
آیا این بودجه و برنامه سالانه، به دلیل به‌رهوری، بهره‌ورترین بودجه ممکن است؟
درباره شهرهای ما این هنوز مشخص و روشن نیست. فقط هم خاص تهران نیست.

**۱۷یعنی حق شهر بر شهروندان روشن نیست.**

از سوی دیگر، این هزینه‌ها از کجا تأمین می‌شود؟ اینها هم واضح و روشن

نیست. نه اینکه نمی‌دانیم. قاعداً فرض بر این است که برای تأمین هزینه‌ها نباید دست به هر کاری بزنیم. قاعداً حد و چارچوبی باید قائل باشیم. اگر این چارچوب رعایت نشود هر اتفاقی ممکن است در شهر بیفتد. توسعه پایدار

یعنی اینکه به اندازه‌ای عارضه ایجاد کنید که قابل ترمیم باشد و به میزانی استفاده کنید که آیندگان نیز بتوانند از شهر استفاده کنند. وقتی این رعایت‌ها

وجود نداشته باشد، نتیجه این است به میزانی آب استفاده می‌کنید که اگر ۱۰ سال

پارایی داشته باشید باز هم کمبود آب هست؛ همه آب حوزه نفوذ منطقه

فردی که در شهر ساکن است و از او با عنوان شهروند یاد می‌شود، نسبت به شهر وظایفی دارد و در مقابل حق نیز بر شهر دارد.
این فرد حق دارد از هوای پاکیزه استفاده کند، از مواهب شهر به شکل عادلانه استفاده کند و...
این شهروند برای اداره شهر سهم خود را می‌پردازد و در برابر، حق دارد بداند مدیران شهری چگونه شهر را اداره می‌کنند.
درباره حق شهروند بر شهر و این‌حق در جامعه ایرانی با پیروز حناچی، معاون شهرسازی وزارت راه و شهرسازی، گفت‌وگو کردیم؛

**۱۴اساساً چه تفاوتی میان شهروند و شهرنشین وجود دارد؟ آیا می‌توان همه کسانی را که در شهر زندگی می‌کنند، شهروند به حساب آورد؟**

برای پاسخ به این پرسش لازم است هم از نگاه شهروندان ببینیم و هم از نگاه اداره‌کنندگان شهر.
از نگاه شهروندان هرکسی که در شهر زندگی می‌کند؛ صرفاً به دنبال سربناه یا به‌دنبال محلی برای اقامت نیست، بلکه به‌واسطه اینکه در شهر زندگی می‌کند وظایفی دارد و لازم است خدماتی دریافت کند؛ وظایفی مثل رعایت آداب زندگی در شهر و رعایت حق همسایه و محله؛ برای مثال، زباله را در خیابان تخلیه نکند یا قاعده زندگی در شهر را رعایت کند.
از سوی دیگر، کسانی که شهر را اداره می‌کنند وظیفه دارند شرایط زندگی سالم و شرافتمندانه را برای شهروندان آماده کنند.
یعنی کرامت انسانی افراد به واسطه زندگی در شهر مخدوش نشود.
این حقوق ابعاد مختلفی نیز دارد برای مثال، هرکسی در شهر حق دارد از نور خورشید استفاده کند؛ هرکسی در شهر حق دارد از هوای سالم بهره‌مند باشد.
طبیعتاً وقتی این حق را دوطرفه تعریف می‌کنیم؛ هرکسی حق دارد از مواهب و خدماتی که در شهر وجود دارد، بهره‌مند شود؛ برای خدماتی که در مقیاس محله نیاز دارد کیلومترها رانندگی نکند؛ بتواند فرزندش را با پای پیاده به مدرسه ببرد یا خرید را با پای پیاده انجام دهد؛ پارکی در نزدیکی خانه داشته باشد که اوقات فراغت را بگذراند.
طبیعتاً کسی که به عنوان شهروند مواردی را رعایت می‌کند؛ این حقوق و انتظارات را دارد و از مدیران می‌خواهد این حق را محترم بشمارند و حدود آن را رعایت کنند.
اما همیشه حدود این حقوق رعایت نمی‌شود.
برای مثال، فردی در محله دنجی در تهران مثل ایران‌زمین را که آرام و کم‌تراکم است برای سکونت انتخاب می‌کند و هزینه‌های این انتخاب را نیز می‌پردازد، اما ناگهان مجوز برج ۵۳ طبقه در این منطقه داده می‌شود.

براساس تعاریف امروزی شهر در معانی جهانی، نیز یک شهر خوب، شهری است که شهروندان بتوانند از مواهب آن به شکلی مساوی و عادلانه استفاده کنند.
اگر کسی بیشتر از شهر بهره‌مند می‌شود هزینه آن را بپردازد و اگر کسی بیشتر در شهر عارضه ایجاد می‌کند، باز هم هزینه آن را بپردازد و اگر کسی خسارتی به شهر می‌رساند؛ هزینه آن را بپردازد.
در این تعریف اگر مدیران شهری می‌خواهند یارانه یا کمکی به شهر کنند لازم است به بخشی کمک کنند که همه به یک نسبت می‌توانند از آن بهره‌مند شوند؛ مواردی مانند حمل‌ونقل عمومی و فضای سبز.
اما اگر بخواهیم شهرنشین را تعریف کنیم؛ باید بگوییم شهرنشین کسی است که نه او نسبت به شهر تعهدی دارد نه کسی که شهر را اداره می‌کند، به او تعهدی حس می‌کند.
شهرنشین می‌تواند زباله‌ها را در خیابان بریزد و حقوق همسایه و شهر را رعایت نکند؛ می‌تواند رانندگی قاعده‌مندی نداشته باشد و به حقوق عمومی تجاوز کند؛ و از سوی دیگر، مدیران شهری نیز نسبت به او تعهدی ندارند؛ برای مثال، اینکه این شخص در دود زندگی می‌کند اهمیتی ندارد.
طبیعتاً در چنین فضایی نه سؤالی مطرح و نه جوابی داده می‌شود.
رابطه نخست، یک رابطه دوطرفه است که هم سؤال وجود دارد و هم جواب.
هر دو طرف می‌توانند از هم سؤال کنند.
اگر مردم و شهروندان در بخش اول هزینه واقعی زندگی در شهر را بپردازند، طبیعتاً از حاکمان این انتظار را دارند که جوابگو باشند.
در کشورهایی که با بار مالیات اداره می‌شوند، مردم می‌توانند به کم‌کاری‌های حاکمان شهر واکنش نشان دهند.
از سوی دیگر، وقتی هزینه اداره شهر از سوی شهروندان پرداخت شود، پاسخ‌گویی از الزامات است.
ماجرای به این شکل است که من شما را انتخاب می‌کنم تا در شورای شهر از حق من دفاع کنید؛ شما حق ندارید هزینه‌ای را که من می‌دهم بابت اداره شهر در جای دیگر هزینه کنید یا با بهره‌وری پایین هزینه کنید.
اما در مقابل آن و در فضایی که شهروندی چندان مطابق با اصول نیست، برای اداره شهر از شهروندان کمک گرفته نمی‌شود و چیزی به نام فروش فضاهای شهری وجود دارد که مدیران آن را خلق کرده‌اند.
درواقع اداره‌کنندگان شهر با فروش فضاهای شهری شهر را اداره می‌کنند و ظاهراً از شهروندان پولی نمی‌گیرند.
سالها پیش از یکی از کسانی که قرار بود شهردار تهران شود و پذیرفت پرسیدم چرا نپذیرفتید؟ گفتند بودجه سالانه این شهر چقدر است؟ گفتیم مثلاً هشت هزار میلیارد. گفتند یعنی هر شهروند باید سالانه صد هزار تومان بپردازد.
برای اداره امور شهر؛ کسی که این‌کار را بکند باید از آینده